

سخنرانی خمینی بمناسبت تولد محمد ۲۱ آذرماه ۱۳۶۳

در ۲۱ آذرماه ۱۳۶۳ بمناسبت سالروز تولد پیامبر اسلام، مقامات عالیه جمهوری اسلامی، رئیس جمهوری، نخست وزیر و وزیران، هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی، روسای قوه قضائیه و مجلس خبرگان و شواری نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و دیگر دولتمردان رژیم برای انجام سلام خاص در کاخ جماران بیدار ولی فقیه و رهبر جمهوری اسلامی میروند، در گرماگرم روزهایی که «جنگ اسلام و کفر» در جبهه های نبرد پاسداران انقلاب با دشمن صدامی در جریان است، و در شرایطی که پس از بازگرفتن آبادان و خرمشهر از جانب ایرانیان، صدام حسین از در تسلیم درآمده است و کشورهای عربی خلیج فارس نیز پرداخت ۹۰ میلیارد دلار غرامت سنگین مورد مطالبه ایران را تقبل کرده اند. منتها ولی فقیه و همکاران دست اول او چنین صلحی را نمیخواهند، زیرا آنچه ضامن بقای آنها بر مسند قدرتی است که تازه بر آن نشسته اند صلح نیست، ادامه جنگ است. و درست در این شرایط ولی فقیه به یاد میآورد که در میان ۶۲۳۶ آیه قرآن، دو آیه وجود دارد که در آنها سخن از «قاتلوهم حتی لاتکون فتنه» رفته است، ولی نیازی به یادآوردن این واقیعت قرآنی نمی بیند که این حکم «با آنها قتال کنید تا وقتی که فتنه از میان برداشته شود»، در سوره های بقره و انفال در ارتباط با مشرکان قریش و پیمان شکنی احتمالی آنان پس از قرارداد متارکه با مسلمانان در حدیبیه صادر شده است و به موارد دیگر مربوط نمی شود.

در سخنان پیامبر گونه ای که وی به عنوان رهبر اولین حکومت الله در روی زمین در سالروز تولد پیامبر اسلام ایراد میکند، خود او میپذیرد که قرآن مجموعه ای یکدست نیست، یعنی «هم آیات رحمت داره و هم آیات قتال»، منتها به جمع شنوندگان خودش که هیچیک از آنان نیز چون او هوا خواه آیات رحمت نیستند، خشمگینانه عتاب میکند که «چرا در قرآن آیات رحمت را میخوانید و آیات قتال را نمیخوانید؟» و نمیپرسید که بعکس چرا در قرآن آیات قتال را میخوانید و آیات رحمت را نمیخوانید؟... آنچه بدنبال این توضیح الزم خواهید خواند، متن کامل بیانات ... خمینی است که در اینجا عینا از روزنامه های اطلاعات و کیهان چاپ همانروز نقل شده است:

«**قرآن میفرماید:** قاتلوهم حتی لاتکون فتنه. یعنی همه بشر را دعوت میکند به مقاتله. یعنی جنگ جنگ تا رفع فتنه در عالم. اینکه ما امروز میگویم جنگ جنگ تا پیروزی بر کفر صدامی، یک چیز کوچکی است که از آن گرفته ایم. آنچه قرآن میگوید این نیست. قرآن میگوید جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم. یعنی باید کسانی که تبعیت از قرآن میکنند آنقدر ادامه به نبردشان بدهند تا اینکه فتنه از عالم برداشته شود. این جنگ یک رحمتی است برای عالم و یک رحمتی است برای هر ملتی در آن محیطی که هست. جنگهای پیغمبر رحمت بوده است بر عالم و رحمت بوده است برای کفاری که با آنها جنگ میکرده است.

رحمت بر عالم است برای اینکه اگر فتنه در عالم نباشد همه عالم در آسایش میباشند... اگر چنانچه یک کفاری را سر خود بگذارند تا آخر عمر فساد بکند آن شدت عذابی که برای آن لازم است پیدا میکند بسیار بالاتر از آن کسی که جلوش را بگیرند و همین حالا بکشندش. **اگر یکنفر فاسد را بگیرند و بکشند به صلاح خودش است**، برای اینکه اگر زنده بماند فساد زیادتیر میکند. این یک جراحی است برای اصلاح، نه این است که یک چیزی باشد که خلاف رحمت باشد. پیغمبر رحه للعالمین است و اینکه میفرماید قاتلوهم حتی لاتکون فتنه بزرگترین رحمت است بر بشر.

آنهایی که خیال میکنند بودن در دنیا و خوردن و خوابیدن حیوانی رحمت است میگویند که اسلام پدر رحمت است نباید آدمکشی بکند، نباید قصاص داشته باشد، **در صورتیکه حد برای این آدمی که دستش را میبرند برای کاری که کرده است یک رحمتی است.** اینطور نیست که اگر جنگهای پیغمبر مخالفت با رحمة للعالمین داشته باشد موکد رحمة للعالمین باشد. الجنه تحت ظلال السیوف. تمام کارهایی که انبیا میکردند و جنگهاشان برای این است که معرفت ال را توسعه بدهند. آن مذهبی که جنگ در آن نیست مذهب ناقضی است اگر اصولا چنین مذهبی وجود داشته باشد. گمانم این است که اگر حضرت عیسی سلام اله علیه هم مهلت میدادند بهمین ترتیبی که حضرت موسی سلا اله علیه عمل کرد و همین ترتیبی که حضرت نوح سلا اله علیه عمل کرد او هم به کفار آنطور عمل میکرد. این اشخاصی که گمان میکنند که حضرت عیسی اصلا سر این کارها را نداشته است و فقط یک ناصح بوده است به نبوت حضرت عیسی لطمه وارد میکنند. اگر اینطور باشد معلوم میشود که او فقط ناصح بوده است و یک نبی نبوده است. واعظ غیر نبی است. نبی همه چیز دارد، شمشیر دارد، جنگ دارد، برای اینکه مردم را نجات بدهد. **جنگ میکند، برای اینکه مردم را از شر خودشان نجات بدهد.** تعزیر میکند، برای اینکه تربیت بشود این آدم.

اگر امروز جوانهای ما میگویند جنگ جنگ تا پیروزی، اینطور نیست که یک امری بر خلاف قرآن میگویند. این فقط یک ذره ای است از آنچه قرآن میگوید. ولی اگر ما امروز در جنگ با صدام پیروز هم بشویم باز کمی از فتنه را کم کرده ایم. اگر در جای دیگری هم بعد از آن پیروز بشویم باز کمی پیروزی حاصل شده است. اگر همه دنیا را هم فرض کنیم که جنگ کنیم و پیروز بشویم باز در دنیای عصر خودمان پیروزی درست کرده ایم، در صورتیکه قرآن این را نمیگوید، میگوید جنگ تا رفع فتنه. باید رفع از عالم بشود. بنابراین درک غلطی است از قرآن که کسی خیال کند قرآن نگفته است جنگ. قرآن گفته است، بالاتر از این را هم گفته است. اسلام هم گفته است و بالاتر از این را هم گفته است. یعنی گفته است که نه این است که جنگ یک نعمتی بر مردم است، بلکه یک رحمتی است بر تمام بشر. خدای تبارک و تعالی که مردم را دعوت به مقاتله کرده است نه این است که بخواهد زحمتی برای آنها ایجاد کند، میخواهد رحمت درست کند، این را از غایت توسعه رحمت میخواهد. نباید آنهایی که با ما مخالف هستند از قرآن سو استفاده کنند و بگویند این مخالف قرآن است، یا آخوند های درباری بگویند این مخالف قرآن است، اگر کسی بگوید فتنه را با جنگ رفع نکنید مخالف قرآن است. « (۱)

(۱) تذکر تکمیلی فتوای علامه برقی در احکام القرآن در همین باره: « معنی لاتکون فتنه این است که باید نیروی جهاد مسلمین تعطیل نشود، و این قانون مطلق و شامل عموم مسلمین است تا زور قیامت، یعنی تا وقتیکه یکنفر غیر مسلمان در روی زمین وجود دارد میباید جهاد ادامه یابد»

گردآورنده:
شاهین کاویانی



[/http://derafsh-kavivani.com/parsi](http://derafsh-kavivani.com/parsi)